

رزوی طبیب مشاکلید و دمنه



نوشته

فرانسوا دوبلوا

ترجمه

دکتر صادق سجادی

برزوی طیب و منشاء کلیله و دمنه

نوشته
فرانسوا دوبلوا

ترجمه
دکتر صادق سجادی



انتشارات طهوری

De Blois, François

بلوا، فرانسوا دو

برزوی طبیب و منشاء کلیله و دمنه/ نوشته فرانسوا دوبلوا؛ ترجمه صادق سجادی، - تهران:

طهوری. ۱۴۰۱.

۲۱۰ص.

ISBN 978-964-6414-35-8

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

Burzōy's voyage to India and the Origin of the

عنوان اصلی:

Book of Kalīlah Wa Dimnah

۱. کلیله و دمنه - نقد و تفسیر. ۲. نثر فارسی - قرن ۶ ق. - تاریخ و نقد. الف. سجادی،

محمدصادق، ۱۳۳۳ - ، مترجم. ب. عنوان.

۸ف۸۲۳/۸

۴ب۸ب/۰۹۲ PIR5

پش/۶۶۷ کی

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۸۲-۱۵۰۶۳م

کتابخانه ملی ایران

این کتاب ترجمه‌ای است از:

**BURZŌY'S VOYAGE
TO INDIA AND THE
ORIGIN OF THE BOOK OF
KALĪLAH WA DIMNAH**

François De Blois
(Royal Asiatic Society-1990)



انتشارات طهوری

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروژ، شماره ۲۴- صندوق پستی ۱۶۴۸- ۱۳۱۴۵

تلفن: ۰۹۱۲ ۲۲ ۵۱۲۰۶-۶۶ ۴۶ ۴۸ ۲۶

www.tahooribooks.ir



فرانسوا دوبلوا

برزوی طبیب و منشاء کلیله و دمنه

ترجمه دکتر سید صادق سجادی

چاپ اول: ۱۳۸۲

چاپ دوم: ۱۴۰۱

تیراز: ۲۲۰ نسخه

حق هرگونه چاپ، تکثیر، فتوکپی، اسکن، فروش دیجیتال و انتشار

برای انتشارات طهوری محفوظ است

۹۵۰۰۰ ریال

فهرست

۳	 پیشگفتار مترجم
۵	 پیشگفتار
۷	 منبع‌شناسی
۷	 الف - منابع فارسی و عربی
۹	 ب - منابع اروپایی
۱۵	 گفتار یکم - نگاهی اجمالی به نخستین ترجمه‌های کلیله و دمنه
۳۱	 یادداشتهای گفتار یکم
۳۷	 گفتار دوم - مندرجات متون عربی و فارسی میانه «کلیله و دمنه»
۴۷	 یادداشتهای گفتار دوم
۴۹	 گفتار سوم - چارچوب داستان
۶۰	 یادداشتهای گفتار سوم
۶۳	 گفتار چهارم - فصول مقدماتی
۸۰	 یادداشتهای گفتار چهارم
۸۵	 گفتار پنجم - مرد در جاه
۹۱	 یادداشتهای گفتار پنجم
۹۳	 گفتار ششم - دو فهرست ویژه برای مندرجات کلیله و دمنه
۹۷	 یادداشتهای گفتار ششم
۹۹	 گفتار هفتم - داستان سفر برزوی به هند
۱۰۶	 یادداشتهای گفتار هفتم
۱۰۹	 گفتار هشتم - متن روایت بلندتر

۱۱۵	یادداشت‌های گفتار هشتم
۱۱۷	گفتار نهم - برزوی و وزیر گمهر
۱۲۲	یادداشت‌های گفتار نهم
۱۲۵	گفتار دهم - بررسی انتقادی سه تحریر اصلی داستان سفر برزوی
۱۳۷	یادداشت‌های گفتار دهم
۱۳۹	گفتار یازدهم - سفر برزوی به هند و احوال خودنوشت او
۱۴۴	یادداشت‌های گفتار یازدهم
۱۴۷	گفتار دوازدهم - ظهور متن کلیله و دمنه
۱۵۴	یادداشت‌های گفتار دوازدهم
۱۵۵	کلیله و دمنه: دست‌نویسها و چاپ‌های مورد استفاده در این تحقیق
۱۶۳	دست‌نویس‌های بی‌تاریخ
۱۷۱	ضمائم
۱۷۳	ضمیمه یکم - متن انتقادی «مرد در چاه»
۱۸۳	ضمیمه دوم - متن انتقادی گزارش سفر برزوی به هند (تحریر کوتاه)
۱۹۱	ضمیمه سوم - گزارش سفر برزوی به هند (تحریر بلند)
۲۰۱	استدراکات
۲۰۵	نامنامه

پیشگفتار مترجم

تعداد آثاری که در دنیای قدیم، آثاری «جهانی» به شمار می آمدند و در شرق و غرب عالم منتشر می شدند، قطع نظر از کتب مقدس دینی فراوان نیست؛ و کلیله و دمنه یکی از آنهاست که به سبب خصایص ادبی و معنایی، شهرت و پایگاهی بلند یافته است. این اثر مشهور که بنیادهایش را در شبه قاره هند جستجو کرده اند، اما مجموعه آن که جنبه های مهمی از فضای فکری و فرهنگی ایران را نیز دربر دارد، از سرزمین خسروان به همه جا سرازیر شد، برآستی از اسناد مهم و معتبر روابط تمدنهاست، و خود از تاریخی زنده و جذاب برخوردار است. درباره وجوه مختلف و قابل بحث این اثر، خاصه منشأ حکایات، ارزش ادبی و آموزه های حکمت عملی آن، از حدود دو سده پیش از این سخن بسیار رانده اند و البته این مختصر جای آن سخنها نیست؛ اما کتابی که اینک پیش روی دارید، پژوهشی ممتاز درباره سفر بروزی به هند، منشأ کلیله و دمنه، و بررسیهای متن شناسانه این اثر ارجمند است و نویسنده با مراجعه به اصل متون سنسکریت و تحریرها و ترجمه های کهن و متأخر سریانی و عربی و عبری و لاتین و اسپانیایی کلیله و دمنه، و برخی متون تبتی و چینی، از راه مقایسه صوری و معنایی این تحریرها، به نتایج و نظریاتی بدیع درباره خاستگاه حکایات این کتاب، نویسنده یا نویسندگان آن، تاریخ گردآوری، ترجمه آن به فارسی میانه و از این زبان به سریانی کهن و عربی دست یافته که بخش قابل ملاحظه ای از تحقیقات پیشینیان را دگرگون می کند یا دست کم صحت آنها را مورد تردید قرار می دهد. نگاهی به منابع این تحقیق که مشخصات آنها در آغاز کتاب یاد شده، و نیز فصلی که به بررسی و یادکرد دست نویسها و متون چاپی کلیله و دمنه در پایان کتاب اختصاص یافته، دایره کوششهای نویسنده را نشان می دهد که در گفتار اول به بررسی نخستین ترجمه های کلیله و دمنه از متن فارسی میانه آن و ارتباط این ترجمه ها پرداخته، و در گفتار دوم مندرجات متون فارسی میانه و عربی را مورد بحث قرار داده و کوشیده حکایات اصیل را از حکایات الحاقی متمایز گرداند. گفتار سوم به بررسی چارچوب و قالب داستان اختصاص یافته و در گفتار چهارم فصول مقدماتی تحریرها و ترجمه های

کلیله و دمنه مطرح شده است. گفتار پنجم در باره حکایت تمثیلی بسیار مشهور یعنی «مرد در چاه» است و در گفتار بعدی دو فهرست متفاوت ابواب کتاب در ترجمه‌های فارسی آن بررسی شده است. گفتارهای هفتم تا یازدهم به بررسی تحریرهای مختلف داستان سفر برزوی از راه مقایسه گزارشهای موجود در ترجمه‌های کلیله و دمنه و روایت شاهنامه فردوسی، خلط میان برزوی و وزرگمهر (بزرگمهر) از سوی برخی نویسندگان، و احوال خودنوشت برزوی اختصاص یافته و در گفتار دوازدهم «ظهور متن کلیله و دمنه» مورد بحث قرار گرفته است. حکایت «مرد در چاه» و دو تحریر کوتاه و بلند «گزارش سفر برزوی به هند» در قالب سه ضمیمه در پایان کتاب، به طور انتقادی و براساس مهمترین دست‌نویسها و متن موجود بلوهر و بوذاسف عرضه شده است.

آشنایی مترجم با اثر حاضر زمانی دست داد که به تحقیق درباره برزویه و تألیف مقاله‌ای در همین زمینه آغاز کرد و بناچار کتاب برزوی طبیب و منشاء کلیله و دمنه را سراسر خواند و از آن بهره‌ها گرفت و دریغش آمد که طالبان و جویندگان اینگونه مباحث از چنین پژوهش ممتازی منتفع نگردند و نقش ایرانیان و زبانهای ایرانی را در پدیداری چنین اثر برجسته جهانی به درستی در نیابند. با آنکه زبان و بیان کتاب، بنا به طبیعت موضوع و شیوه تحقیق نویسنده، دشوار و گاه ناهموار بود، مترجم کوشید تا آن را به زبانی روان و پخته برگرداند، اما داوری در این باره بر عهده او نیست.

چنانکه در متن کتاب دیده می‌شود اثر حاضر متشمل بر تعداد زیادی واژه‌های سنسکریت، فارسی میانه، عبری، سریانی، یونانی، و جملات فرانسه، آلمانی و اسپانیایی است که لاجرم آوانگاری و ترجمه شد. سپاس خود را، هم اینجا، تقدیم دوستان دانشمندی می‌کنم که مرا در این کار یاری دادند.

نویسنده کتاب در برخی مواضع، قطعات بلندی از متن کلیله و دمنه را، ظاهراً از متن عربی آن، ترجمه و درج کرده است. افزون بر ترجمه این عبارات یا قطعات، عین متن فارسی ابوالمعالی را نیز نقل کردم. در سراسر کتاب همواره از عناوین ابواب کلیله و دمنه یاد شده است. مترجم به پیروی از نویسنده کتاب، آن عناوین را عیناً مطابق ضبط متن فارسی ابوالمعالی، چاپ مجتبی مینوی، یا متن عربی آن، چاپ لوئیس شیخو، درج کرده است.

با آنکه در کشور ما قوانین بین‌المللی حقوق مؤلفان و مصنفان شناخته نشده، کوشیدم از نویسنده ارجمند این کتاب، آقای فرانسوا دو بلوآ، برای ترجمه و نشر اثر اجازه بگیرم؛ اما دسترسی ممکن نشد، جز آنکه اطلاع یافتم که گویا اکنون در یکی از دانشگاه‌های آلمان مشغول تدریس است.

پیشگفتار

کتاب کلیله و دمنه از جمله اسناد و منابع معتبر تاریخ روابط تمدن‌هاست. از راه بررسی تاریخ این اثر می‌توان فرآیند انتقال محصولی فرهنگی از سرزمین هند را، نخست به ایران و آنگاه به جهان اسلام، و از آنجا به اروپا و سراسر جهان بازشناخت. قبول عام و پایگاه عالی این اثر در میان اقوام مختلف جهان را انبوه نسخه‌ها و ترجمه‌های آن تأیید می‌کند؛ و همین ترجمه‌ها به پژوهندگان اجازه می‌دهد که همه جا را در نوردند و گسترش فرهنگی این اثر را پی گیرند و دریابند که به راستی اندیشه و فرهنگ مرز نمی‌شناسد.

پیگیری تاریخ این کتاب یکی از فیروزیهای بزرگ در عرصه خاورشناسی سده ۱۹ به شمار می‌رود. در آغاز سال ۱۸۱۶ م سیلوستر دوساسی^۱ بنیادهای تحقیقات بعدی در این باره را با انتشار متن عربی کتاب و تحقیق در مسایل مرتبط با آن پی افکند. در ۱۸۵۹ م تئودور بنفی^۲، متخصص زبان سنسکریت، نخستین طرح جامع بررسی تاریخ کلیله و دمنه را تنظیم و عرضه کرد. آنگاه کشف دست‌نویسهای متعدد و پژوهشهایی که توسط دانشمندانی چون گوئییدی^۳، بیکل^۴، نولدکه^۵، درنبرگ^۶، رایت^۷، شیخو^۸، شاوین^۹، شولتز^{۱۰}، هرتل^{۱۱} و دیگران به انجام رسید، تصویر روشتری از تاریخ ظهور و تحول این اثر به دست داد. در ۱۹۱۴ م هرتل گزارشی خواندنی مشتمل بر نتایج یک سده تحقیق درباره این کتاب را منتشر ساخت. گرچه پژوهشگران سده ۲۰ م به حقایق دیگری دست یافتند که برخی از آن نتایج را تغییر یا بسط داده، ولی بیشتر آنها تا امروز هم معتبر به شمار می‌روند.

1. Silvestre de Sacy. 2. Theodor Benfey. 3. Guidi. 4. Bichell. 5. Noldeke. 6. Drenbourg.
7. Wright. 8. Shaykhu. 9. Chauvin. 10. Schulthess. 11. Hertle.

پژوهش حاضر کوششی است برای بررسی مجدد کهن‌ترین بخش از تاریخ کلیله و دمنه در خاور نزدیک. متن حروف چینی شده این تک نگاری در بهار ۱۹۸۲ م آماده گردیده و تا تابستان همان سال در اختیار ناشر قرار گرفته بود. در ۱۹۸۹ م، آنگاه که چشم انداز انتشار کتاب بیش از پیش واقع بینانه می نمود، دوباره آنرا مورد تجدید نظر قرار دادم و حواشی و ارجاعاتی را که طی این سالها گرد آورده بودم، به آن افزودم و تغییرات کوچکی در بسیاری فصول پدید آوردم؛ اما به هر حال ماده و مطلب اصلی کتاب همان است که یک دهه پیش نگاشته بودم.

بسی خوشوقتم که مراتب سپاس خود را از استاد مری بویس^۱ اعلام دارم که سراسر تحریر نخست این پژوهش را خواند و پیشنهادهایی بس ارزشمند ارائه کرد. همچنین از استاد بکینگهام^۲، استاد مادلونگ^۳، و آقای مورتن^۴ برای یاریها و راهنماییهای فراوانشان در دوران دراز تکمیل کتاب سپاسگزارم. دوست دیرینم استاد رضوان السید با مهربانی وظیفه دشوار بازخوانی متون عربی در نخستین مسوده کتاب را برعهده گرفت؛ و دکتر جعفر هادی حسن همین لطف را با بررسی دومین مسوده‌ها در حق من مرعی داشت. بی‌گمان در تصحیح بسیاری از ضبطهای کتاب باید خود را مدیون این دو محقق بدانم.

نویسنده

اکتبر ۱۹۹۰ میلادی

منبع شناسی

تذکر: این فهرست تمام آثاری را که در بارهٔ کلیله و دمنه نوشته شده، یا آثاری را که در تالیف پژوهش حاضر از آنها استفاده کرده‌ام، در بر ندارد. آنچه در زیر می‌آید صرفاً مشتمل بر جزئیات کتاب شناسانهٔ آثاری است که از این پس به صورت اختصاری به آنها اشاره می‌شود. مشخصات چاپهای کلیله و دمنه به زبانهای مختلف، زیر نام ویراستار آنها درج شده است. فهرست منابع دیگر بر حسب نام نویسندگان آنها، یا در صورت ناشناخته بودن نویسنده، بر حسب نام خود کتاب تنظیم شده است.

[الف - منابع فارسی و عربی:]

— ابن بابویه (محمد بن علی): هذا الكتاب المسمى بكمال الدين وتمام النعمه في اثبات الغيبه و كشف الخيره (چاپ عکسی پاریس)، ۱۳۰۱ ق (۴-۱۸۸۳ م).

— ابن عبد ربّه (احمد بن محمد): كتاب العقد الفريد، ویرایش احمد امين، احمد الزين، ابراهيم الايباري، ۷ جلد، قاهره، ۵۳-۱۹۴۰ م.

— ابن قتیبه (عبدالله بن مسلم الدينوري): كتاب عيون الاخبار، ۴ جلد، قاهره، ۳۰-۱۹۲۵ م.

— ابن منظور (محمد بن مکرم): لسان العرب، ۱۵ جلد، بیروت، ۶-۱۹۵۵ م.

— ابن الندیم (محمد بن اسحاق): کتاب الفهرست، ویرایش گوستاو فلوگل، چاپ اول، لایپزیک، ۱۸۷۱ م.

— ابن الهیاریه (محمد بن محمد): نتایج الفتنه فی نظم کلیله و دمنه، بمبئی، ۱۸۸۷ م.

— ابوالفرج (علی بن حسین الاصبهانی): کتاب الاغانی، ۲۰ جلد، قاهره، ۱۲۸۵ ق (۹-۱۸۶۸ م).

— ابونواس (حسن بن هانی): دیوان، بخش سوم، ویرایش اوالد واگنر (Ewald. Wagner. Bibliotheca Islamica 20c)، وِسپادن/اشتوتگارت، ۱۹۸۸ م.

— اصطخری (ابراهیم بن محمد): کتاب مسالک الممالک، ویرایش دوخویه، مجموعهٔ جغرافیایی عرب

- (= Bibliotheca Geographorum Arabicorum.I)، لیدن، ۱۸۷۰ م.
- بیرونی (ابوریحان محمد بن احمد)، کتاب... البیرونیه فی تحقیق ماللهند من مقوله مقبولة فی العقل...، ویرایش ادوارد زاخارو، لندن، ۱۸۸۷ م.
- تقی زاده (سید حسن): «شاهنامه فردوسی»، هزاره فردوسی، تهران، ۱۳۲۲ ش (۱۹۴۴ م)، صص ۱۷۷-۱۰۸ [چاپ اول به صورت سلسله مقالات در نشریه کاوه، ۱۹۲۰-۱۹۲۱ م].
- الثعالبی (ابومنصور): غرر اخبار ملوک القوس و سیرهم، ویرایش ه. زوتنبرگ، پاریس ۱۹۰۰ م.
- حسین بن علی الواعظ: انوار سهیلی (چاپ عکسی)، ۱۲۹۳ ق (۱۸۷۶ م).
- خاندلری (پرویز ناتل) و روشن (محمد): داستانهای بیدپای، ترجمه محمد بن عبدالله البخاری، تهران ۱۳۶۱ ش (۱۹۸۲ م).
- الدمیری (کمال الدین محمد بن موسی): حياه الحيوان الکبری، ۲ جلد، بولاق، ۱۲۸۴ ق (۱۸۶۷-۸ م).
- دینکرد: دینکرت، متن پهلوی، ویرایش م.ج. درسدن، ویسبادن، ۱۹۶۶ م (هر صفحه این کتاب سه شماره مختلف دارد! من فقط شماره‌های بالای صفحات را نقل کرده‌ام).
- رودکی، آثار منظوم، مسکو، ۱۹۶۴ م.
- سانجانا (پشوتن دستور بهرام جی): گنج شایگان، اندرز اترپات مارسپندان، مادیگان چترنگ و اندرز خسرو کوأتان، بمبئی ۱۸۸۵ م.
- شیخو (لونس): «نظم کلیله و دمنه»، المشرق، جلد ۴، ۱۹۰۱ م) صص ۹۷۸-۹۸۲.
- همو، اقدم نسخه مخطوطه مورخه للکتاب کلیله و دمنه، بیروت، ۱۹۰۵ م.
- الصولی (محمد بن یحیی): کتاب الاوراق، قسم اخبار الشعراء، ویرایش جی. هیورت دن، لندن/قاهره ۱۹۳۴ م.
- عزام (عبد الوهاب): کتاب کلیله و دمنه، نقله من الفهلولیه عبدالله بن المقفع، اقدم النسخ و اصحها دَرسها و علق علیها الدكتور طه حسین بی والدكتور عبد الوهاب عزام، قاهره، ۱۹۴۱ م.
- فردوسی: شاهنامه فردوسی، متن انتقادی، ۹ جلد، مسکو، ۷۱-۱۹۶۰ م.
- همو: شاهنامه فردوسی، ویرایش ژول مول، ۷ جلد، پاریس، ۷۸-۱۸۳۶ م.
- القاسیم بن ابراهیم: نک: Guidi(M)
- قزوینی (م.م.): «مقدمه قدیم شاهنامه»، بیست مقاله قزوینی از مقالات تاریخی و انتقادی و ادبی، جلد ۲، چاپ دوم، تهران ۱۳۳۲ ش (۱۹۵۳ م) صص ۹۰-۹۵.
- همو: [متن اصلاح شده مقاله در:] هزاره فردوسی، تهران، ۱۳۲۲ ش (۱۹۴۴ م).
- مجمل: مجمل التاریخ و القصص، ویرایش ملک الشعراء بهار، تهران، ۱۳۱۸ ش (۱۹۳۹ م).
- محمد بن حسین بن عمر الیمینی: کتاب مضاهاة امثال کتاب کلیله و دمنه بما اشبهها من اشعار العرب، تحقیق الدكتور محمد یوسف نجم، بیروت، ۱۹۶۱ م.
- مردان فرخ: شکند گمانیک و جاز. متن پازند — سنسکریت با یک قطعه پهلوی، ویرایش هوشنگ دستور جی جاماسب آسانا، و ای. دبلیو. وست، بمبئی، ۱۸۸۷ م.

- مسکویه (احمد بن محمد): الحکمة الخالدة، جاویدان خرد، حقه و قدم له عبدالرحمن بدوی، قاهره، ١٩٥٢ م.
- مینوگ خرد: کتاب مینوی خرد. متن بازند — سنسکریت ... ویرایش ای. دبلیو. وست، اشتوتگارت / لندن ١٨٧١ م.
- مینوی (مجتبى): ترجمه کلیل و دمنه، انشاء ابوالمعالی نصرالله منشی، تهران، ١٣٤٣ ش (١٩٦٤ م).
- الیازیجی (خلیل): کتاب کلیل و دمنه، بیروت، ١٨٨٤ م.
- الیعقوبی (احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح): تاریخ ابن واضح، ویرایش م. هوتسما، ٢ جلد، لیدن، ١٨٨٣ م.

[ب - منابع اروپایی:]

- Alemany Bolufer (Jose): *La antigua version castellana del Calila y Dimna cotejada con el original arabe de la misma*. Madrid 1915.
- Allen (Clifford G.): *L'ancienne version espagnole de Kalila et Dign*. (Thèse). Macon 1906
- Assemanus (Joseph Simonius): *Bibliotheca orientalis Clementino - vaticana ... Tomi tertii Pars Prima: de scriptoribus Syris Nestorianis*. Rome 1725
- Atil (Esin): *Kalila wa Dimna. Fables from a Fourteenth - Century Arabic Manuscript*. Washigton 1981 .
- Bailey (H.W.): " Rāma II". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* X (1940-2) pp. 560-598 Bartholomae (Chr.): *Altiranisches Wörterbuch*. Strassburg 1904.
- Beeston (A.F.L.): "The 'Ali ibn Shāh' preface to Kalīlah wa Dimnah". *Oriens* VII (1954) pp. 81-4.
- Benfey (Th.): *Pantschataritra: Fünf Bücher indischer Fabeln, Märchen und Erzählungen*. 2 volumes. Leipzig 1895.
- Benzing (J.): *Chwaresmischer Wortindex*. Wiesbaen 1983.
- Bergsträsser (G.): [Review of M. Guidi (1927)] *Islamica* IV (1931) pp. 294-321
- Bickell (Gustav): *Kalilag und Damag. Alte syrische Übersetzung des indischen Fürstenspiegels ... Mit einer Einleitung von Theodor von Theodo Benrey*. Leipzig 1876
- Bilawhar wa Būdhosaf: *Kitābu bilawhara wa būdhāsafa fī l-mawāzi wa l-amthālī l-hikmīyah*. Bombay 1306 h. (1889)
- ____: *Kitāb Bilawhar wa Būdāsf. Édité par Daniel Gimaret*. Beyrouth 1972
- Blocnet (E.) *Bibliothèque. Catalogue des manuscrits arabes des nouvelles acquisitions (1884-1924)* Paris 1925
- Boyce (Mary): " The Indian Fables in the Letter of Tansar". *Asia Major* (New Series) V (1956) pp. 50-8
- Brockelmann (Carl): *Geschichte der arabischen Literatur*. 2 volumes and 3 supplements. Weimar/Leiden 1898-1942
- Brunner (C. J.): "The Middle Persian explanation of chess and invention of backgammon".

Journal of the Ancient Near Eastern Society of Columbia University X (1978, published 1979) pp. 43-51.

- Chauvin (Victor): *Bibliographie des ouvrages arabes ou relatifs aux Arabes publiés dans l'Europe chrétienne de 1810 à 1885*. II. Kalilah. Liège/Leipzig 1897
- Chavannes (Édouard): *Cinq cents contes et apologues extraits du Tripitaka chinois*. 4 volumes. Paris 1910-34
- Christensen (Arthur): "La légende du sage Buzurjmihr". *Acta Orientalia* VIII (1930) pp. 81-128
- _____: *L'Iran sous les Sassanides*. (= *Annales du Musée Guimet. Bibliothèque d'Études*. Tome 48) Copenhagen 1936
- Colpe (Carsten): *Der Manichäismus in der arabischen Überlieferung*. (Unpublished dissertation). Göttingen 1954.
- Cureton (William) and Rieu (Charles): *Catalogus codicum manuscriptorum orientalium, qui in museo Briannico asservantur. Pars secunda. Codices arabicos amplectens*. London 1846-71.
- Derenbourg (Joseph): *Deux versions hébraïques du livre de Kalīlāh et Dimnāh*. Paris 1881
- _____: *Johannis de Capua Directorium vitae humanae alias parabola antiquorum sapientum. Version latine du livre de Kalilah et Dimnah*. (= *Bibliothèque de l'École des Hautes Études. Sciences philologiques et historiques*. Fascicule 72) Paris 1889
- Diels (Hermann): *Die Handschriften der antiken Ärzte*. II. (= *Abhandlungen der k. preuss. Akad. d. Wiss. Abh. I*) Berlin 1906
- Dozy (R.): *Supplément aux dictionnaires arabes*. 2 volumes. Leiden 1881
- Edgerton (Franklin): *The Panchatantra Reconstructed*. 2 volumes. (= *American Oriental Series* Vol. 2-3) New Haven 1924
- Van Ess (Josef): "Some fragments of the Mu^cāraḍat al-Ourān attributed to Ibn al-Muqaffa^c". *Studia Arabica et Islamica. Festschrift for Ihsān^c Abbās on his sixtieth birthday*. Beirut 1981 pp. 151-163
- Gabrieli (F.): "L'opera di Ibn al-Muqaffa^c". *Rivista degli studi orientali* XIII (1931-2) pp. 197-247 (Article dated 1932)
- _____: "Ibn al-Muqaffa^c". *The Encyclopaedia of Islam*. New edition. III. Fascicules 53-4. Leiden 1968 pp. 883-885
- Gignoux (Ph.): *Nom propres sassanides en moyen-perse épigraphique* (= *Iranisches Personennamenbuch*, Band II. Fasz. 2) Vienna 1986
- Gimaret (Daniel): *Le livre de Bilawhar et Būdāsf selon la version arabe ismaélienne*. Geneva/Paris 1971
- _____: "Traces et parallèles du Kitāb Bilawhar wa Būdāsf dans la tradition arabe". *Bulletin d'études orientales* XXIV (1971a) pp. 97-133
- Guidi (Ignazio): *Studi sul testo arabo del libro di Calila e Dimna*. Rome 1873
- Guidi (Michelangelo): *La lotta tra l'islām e il manicheismo. Un libro di Ibn al-Muqaffa contro il corano confutato da al-Oāsim b. Ibrāhīm*. Rome 1927
- Gutas (D.): "Paul the Persian on the classification of the parts of Aristotle's philosophy: A milestone between Alexandria and Baḡdād". *Der Islam* LX (1983) pp. 231-67
- Hansen (Olaf): "Zum mittelpersischen Vičārīšn ī čatrang". In: J. C. Tavadia/O. Hansen: *Eine Tischnahe aus der Zeit der Sasaniden ...* Glückstadt 1935 pp. 13-19

- Henning (W. B.): "Sogdian tales". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* XI (1943-6) pp. 465-87
- ____: "Eine arabische Version mittelpersischer Weisheitsschriften", *Zeitschrift der deutschen morgenländischen Gesellschaft* CVI (1956) pp. 73-77
- ____: "Persian poetical manuscripts from the time of Rūdakī". *A Locust's Leg. Studies in honour of S. H. Taqizadeh*. London 1962 pp. 89-104
- Hertel (Johannes): *Tantrākhyāyika. Die älteste Fassung des Pañcatantra. Aus dem Sanskrit übersetzt mit Einleitung und Anmerkungen*. 2 volumes. Leipzig/Berlin 1909
- ____: *Tantrākhyāyika. Die älteste Fassung des Pañcatantra. Nach den Handschriften beider Rezensionen zum ersten Male herausgegeben*. (= Abhandlungen d. k. Ges. d. Wiss. zu Göttingen. phil.-hist. Klasse. Neue Folge. Band XII. Nr. 2) Berlin 1910
- ____: "Einzelbemerkungen zu den Texten des Pañcatantra". *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes* XXV (1911) pp. 1-48
- ____: *Das Pañcatantra. Seine Geschichte und seine Verbreitung*. Leipzig/Berlin 1914
- Hilka (Alfons): *Beiträge zur lateinischen Erzählliteratur des Mittelalters*. (= Abhandlungen d. Ges. d. Wiss. zu Göttingen. Phil.-hist. Klasse. Neue Folge. Bd. XXI, 3) Berlin 1928
- Hommel (Fritz): "Die älteste arabische Barlaam-Version". *Berichte des VII. internationalen Orientalisten-Congresses. Semitische Section*. Vienna 1888 pp. 115-65
- Honeyman (A. M.): *The Mission of Burzoe in the Arabic Kalilah and Dimnah*. (Dissertation). Chicago 1936
- Hottinger (Arnold): *Kalila und Dimna. Ein Versuch zur Darstellung der arabisch-altspanischen Übersetzungskunst*. (= *Romanica helvetica*. Vol. 65) Bern 1958
- Jātaka: *The Jātaka or Stories of the Buddha's Former Births. Translated from the pāli by various hands*. Edited by E. B. Cowell. 6 volumes. Cambridge 1895-1907
- Jolly (Julius): *Medicin*. (= *Grundriss der Indo-Arischen philologie und Altertumskunde*. Band III. Heft 10) Strassburg 1901
- Justi (Ferdinand): *Iranisches Namenbuch*. Marburg 1895
- Keith-Falconer (I. G. N.): *Kalilah and Dimnah or the Fables of Bidpai: being an account of their literary history, with an English translation of the later Syriac version of the same, and notes*. Cambridge 1885
- Keller (J. E.) and Linker (R. W.): *El libro de Calila e Digna. Edición crítica*. Madrid 1967
- Krappe (A. H.): "Is the story of Ahiqar the wise of Indian origin?" *Journal of the American Oriental Society* LXI (1941) pp. 280-84
- Kraus (Paul): "Zu Ibn al-Muqaffa". *Rivista degli studi orientali*. XIV (1934) pp. 1-20 (Article dated 1933)
- Kuhn (Ernst): "Der Mann im Brunnen. Geschichte eines indischen Gleichnisses". *Festgruss an Otto von Böhtlingk*. Stuttgart 1888 pp. 68-76
- ____: *Barlaam und Josaphat. Eine bibliographisch-literargeschichtliche Studie*. (= Abhandlungen d. phil.-phil. Classe d. k. Bayr. Akad. d. Wiss. Denkschriften. 67) Munich 1894
- Land (I. P. N.): *Anecdota Syriaca*. II. Leyden 1875
- Lang (D. M.): *The Wisdom of Balahvar. A Christian Legend of Buddha*. London 1957
- ____: *The Balavariani (Barlaam and Josaphat). A tale from the Christian East*, translated from

the old Georgian. London 1966

- Levy (Jacob): *Neuhebräisches und chaldäisches Wörterbuch über die Talmudim und Midraschim*. 4 volumes. Leipzig 1876-89
- MacKenzie (D. N.): *A Concise Pahlavi Dictionary*. London 1971
- Madelung (Wilferd): *Der Imam al-Oāsim ibn Ibrāhīm und die Glaubenslehre der Zaiditen*. Berlin 1965
- Mārī ibn Sulaymān: *Maris, Amri et Slibae de patriarchis Nestorianorum commentaria*. Ed. H. Gismondi. Pars prior: Maris textus arabicus. Rome 1899
- Nau (F.): "Un manuscrit de M^{gr} Graffin: L'ancien manuscrit du Kalila et Dimna syriaque". *Revue de l'orient chrétien* XVI (1911) pp. 200-4
- Nicoll (A.) and Pusey (E. B.): *Catalogi Codicum Manuscriptorum Orientalium Bibliothecae Bodlianae Pars Secunda Arabicos Complectens*. Oxford 1835
- Nöldeke (Theodor): [Review of Bickel (1876)] *Zeitschrift der deutschen morgenländischen Gesellschaft* XXX (1876) pp. 752-72
- ____: *Die Erzählung vom Mäusekönig und seinen Ministern. Ein Abschnitt der Pehlwi-Bearbeitung des altindischen Fürstenspiegels. (= Abhandlungen d. k. Ges. d. Wiss. zu Göttingen. 25 Abh. 3) Göttingen 1879*
- ____: *Geschichte der perser und Araber zur Zeit der Sasaniden. Aus der arabischen Chronik des Tabari übersetzt und mit ausführlichen Erläuterungen und Ergänzungen versehen*. Leiden 1879a
- ____: [Review of Wright (1884)] *Göttingische gelehrte Anzeigen*. 1884 pp. 673-87
- ____: [Review of Keith-Falconer (1885)] *Göttingische gelehrte Anzeigen*. 1885 pp. 753-7
- ____: *Persische Studien*. (= *Sitzungsberichte der phil.-hist. Cl. d. k. Akad. d. Wiss. Bd. 116, Heft 1* pp. 387-423) Vienna 1888
- ____: *Persische Studien II*. (= *Sitzungsberichte d. phil.-hist. Cl. d. k. Akad. d. Wiss. Bd. 126 XII*) Vienna 1892
- ____: "Zu Kalila wa Dimna" *Zeitschrift der deutschen morgenländischen Gesellschaft* LIX (1905) pp. 794-806
- ____: *Burzōes Einleitung zu dem Buche Kalila wa Dimna*. (= *Schriften d. wiss. Ges. in Strassburg 12*) Strassburg 1912
- ____: *Untersuchungen zum Achiqar - Roman*. (= *Abhandlungen d. k. Ges. d. Wiss. zu Göttingen. phil.-hist. Klasse. Neue Folge. Bd. XIV Nro. 4*) Berlin 1913
- ____: *Das iranische Nationalepos*. Zweite Auflage. Berlin - Leipzig 1920
- Nyberg (H. S.): "Zum Kampf zwischen Islam und Manichäismus". *Orientalistische Literaturzeitung* XXXII (1929) column 425-41
- ____: *A Manual of Pahlavi*. I. Wiesbaden 1964 II. Wiesbaden 1974
- Puntoni (Vittorio): *Quattro recensioni della versione greca del* (= *Pubblicazioni della Societa Asiatica Italiana II*) Florence 1889
- Renan (Ernest): "Sur l'écrivain syriaque appelé Boud le périodeute". *Journal Asiatique Seme série*. Tome VII (1856) pp. 250-6
- Rieu (Charles): *Supplement to the Catalogue of the Arabic Manuscripts in the British Museum*. London 1894

- Ross (E. Denison): "An Arabic and a Persian metrical version of Burzoe's autobiography from Kalila wa Dimna," *Bulletin of the School of Oriental Studies* IV (1926-8) pp. 441-72
- Salemann (C.): "Mittelpersische Studien. Erstes Stuck". *Melanges Asiatiques tirés du Bulletin de l'Académie impériale des sciences de St.-Petersbourg* IX (1887) pp. 207-53 (Article dated 1886)
- Schiefner (A.): *Mahākātjājana und König Tshaṇḍa-Pradjota. Ein Cyclus buddhistischer Erzählungen.* (=Memoires de l'academie imperiale des sciences de St.-Petersbourg. VII, serie. Tome XXII: No. 7) Petersburg 1875
- Schulthess (Friedrich): *Kalila und Dimna. Syrisch und deutsch.* 2 volumes. Berlin 1911
- Shaked (S.): "From Iran to Islam: Notes on some themes in transmission". *Jerusalem studies in Arabic and Islam* IV (1984) pp. 31-67
- Silvestre de Sacy (A. I.): *Calila et Dimna, ou fables de Bidpai, en arabe; précédées d'un mémoire sur l'origine de ce livre, et sur les diverses traductions qui en ont été faites dans l'orient.* Paris 1816
- _____: "عار دانش" ou le paragon de la science. Traduction persane du Livre de Calila, faite par le vazir Abou'lfazl". *Notices et Extraits des manuscrits de la Bibliothèque du roi.* X (1818) pp. 197-225
- Sjöberg (Lars-Olof): *Stephanites und Ichnelates. Überlieferungsgeschichte und Text.* (= Acta Universitatis Upsaliensis. *Studia Graeca Upsaliensia.* 2) Göteborg/Uppsala 1962
- de Slane: Bibliothèque nationale. Département des manuscrits. Catalogue des manuscrits arabes. Paris 1883-95
- Sprengling (Martin): "Kalila studies I". *The American Journal of Semitic Languages and Literatures* XL (1924) pp. 81-97
- Steinschneider (M.): "Zu Kalila we-Dimna". *Zeitschrift der deutschen morgenländischen Gesellschaft* XXVII (1873) pp. 553-65
- Ullmann (Manfred): *Die Medizin im Islam.* (= *Handbuch der Orientalistik. Erste Abteilung. Ergänzungsband VI. Erster Abschnitt*) Leiden/Cologne 1970
- Uri (J.): *Bibliothecae Bodlianae Codicum Manuscriptorum Orientalium ... Catalogus. Pars Prima* Oxford 1987. (Double pagination: pp. 1-98 and 1-327; all references are to the latter section)
- Vajda (G.): [Review of M. Guidi (1927)] *Journal Asiatique* CCXXVIII (1936) pp. 349-52
- Winternitz (M.): "Bemerkungen zum Tantrākhyāyika". *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes* XXV (1911) pp. 49-62
- Wright (W.): *The Book of Kalilah and Dimnah translated from Arabic into Syriac.* Oxford/London 1884
- Zotenberg (H.): "L'bistoire de Gal'ad et Schimās". *Journal Asiatique* 8^e série. Tome VII (1886) pp. 97-123

گفتار یکم

نگاهی اجمالی به نخستین ترجمه‌های کلیله و دمنه

بررسی مختصر ترجمه‌های متعدد کلیله و دمنه در خاور نزدیک را می‌توان در مقاله بروکلیمان در دایرةالمعارف اسلام^[۱] یافت. اما پژوهندگانی که خواهان کاوشهای عمیق‌تر در این باره‌اند، باید به کتاب هر تل درباره تاریخ پنجه تتره مراجعه کنند^[۲]. مادر اینجا پژوهش خود را به ارائه ملاحظات درباره کهن‌ترین ترجمه‌ها محدود می‌سازیم. ریشه‌های کتاب کلیله و دمنه را — همانطور که همواره مورد قبول بوده — باید در هندوستان جستجو کرد. هسته اصلی این کتاب که حدود نیمی از مجموع ابواب تحریر عربی آنرا تشکیل می‌دهد، مشتمل بر پنج باب است که با پنج کتاب پنجه تتره^۱ هندی مطابقت می‌کند. گرچه منبعی که این پنج باب کلیله و دمنه از آن گرفته شده دقیقاً با هیچیک از نسخه‌های موجود هندی پنجه تتره برابر نیست؛ ولی تا حد زیادی با کهن‌ترین ترجمه‌های ناشناخته آن، خاصه متن کشمیری موسوم به تتره کیاییکه^۲ که توسط هر تل ویرایش شده^[۳]، و نیز با متنی که فرض شده ماقبل پنجه تتره است و توسط ادگرتن^۳ از منابع مشهور هندی گردآوری و بازسازی شده^[۴]، مرتبط است. تاریخ تألیف اثر اصلی را نمی‌توان بطور دقیق معین کرد، و نام نویسنده آن نیز نامعلوم است. اما هر تل^[۵] تألیف آنرا به حدود سال ۳۰۰ م نسبت داده است. در کلیله و دمنه، علاوه بر بخش اصلی که منطبق با پنجه تتره است، ابواب دیگری هم وجود دارد که بیشتر آنها، اما نه همه، ریشه‌های هندی دارند. ما درباره اجزاء متعدد تشکیل دهنده کلیله و دمنه در گفتار دوم پژوهش حاضر سخن خواهیم راند.

1. Pañcatantra.

2. Tantrākhyāyika.

3. Edgerton.

اگر منابع نهایی کلیله و دمنه می‌باید در هندوستان جستجو گردد، نقطهٔ فرود کتاب در خاور نزدیک، ایران است. مطابق آنچه به عنوان مقدمه در آغاز ترجمهٔ عربی و اخلاف متعدد آن دیده می‌شود، متن فارسی میانهٔ کتاب، که متن عربی از آن ترجمه شده، به قلم برزوی (در عربی: بروزیه^[۶]) پرشک ایرانی است که به دربار خسرو اول، شاه ساسانی و معروف به انوشیروان - جاودان - که از ۵۳۱ تا ۵۷۹ م فرمانروایی داشت، راه یافت. هدف اصلی پژوهش حاضر آن است که تا حد ممکن داستان پدید آمدن متن فارسی میانهٔ کلیله و دمنه را روشن گردانند.

این متن فارسی میانه‌ای به نوبهٔ خود منبع اصلی ترجمه‌های بعدی کلیله و دمنه (در برابر پنجه تتره) به شمار می‌رود. این کتاب هم مانند بیشتر آثار و ادبیات غیر دینی ساسانی از میان رفته است؛ اما به هر حال باید سپاسگزار دو ترجمهٔ موجود از این کتاب، یعنی متن سریانی و عربی کهن آن بود که هر یک مستقل از دیگری، از اصل فارسی میانه‌ای ترجمه شده و ما اکنون به مدد آنها می‌توانیم تصویری نسبتاً روشن‌تر از ترجمهٔ برزوی به دست آوریم.

از ترجمهٔ سریانی کهن کلیله و دمنه تنها یک دستنویس ناقص که در قرن ۱۶ م کتابت شده^[۷] وجود دارد. این دستنویس که قبلاً در ماردین نگهداری می‌شد، در پایان سدهٔ گذشته (سده ۱۹ م) به پاریس منتقل گردید و در آنجا به طور خصوصی به دست رنه گرافین^۱ افتاد. البته این دستنویس آغاز و انجام ندارد ولی به نظر می‌رسد که فقط یک برگ از آغاز و چند سطر از انجام آن افتاده است^[۸]. آنچه باقی مانده هم مشحون از اغلاط املائی است. در متن سریانی، برخلاف دستنویسهای عربی، نشانه‌های از تجدید نظر عمدی وجود دارد. این متن نخستین بار همراه با ترجمهٔ آلمانی آن به قلم بیکل^[۹] با مقدمه‌ای سودمند از همو منتشر شد. چاپ جدیدتر آن که مبتنی بر تصویر روشن‌تری از دستنویس کتاب است، همراه با ترجمهٔ تجدید نظر شدهٔ آلمانی، توسط شولتز^[۱۰] انتشار یافت.

یگانه اطلاعاتی که از مترجم این اثر در دست داریم، گزارشی است که نویسندهٔ نسطوری سدهٔ ۱۴ م، به نام عبدیشوع^۲، در فهرست خود از کتابهایی که هم کیشانش می‌خواندند به دست داده^[۱۱] و تصریح کرده که کلیله و دمنه اثر یک "بُد" بوده است. ترجمهٔ عبارت عبدیشوع چنین است^[۱۲]:

1. Renē Graffin.

2. 'bed Ishō'.

"آثار پر یودیت^[۱۳] بُد عبارتند از بحثهایی دربارهٔ دین، مباحثی در رد مانویان و مزدکیان، پرسشهای یونانی^[۱۴] (۹)، و ترجمهٔ کلیگ و دمنگ از هندی."

بنفی^[۱۵] اثبات کرده که متن سریانی به دست آمده از کلیله و دمنه، نه از سنسکریت و نه از عربی، بلکه از متن فارسی میانه ترجمه شده؛ و نولدکه نیز شواهد دیگری در اثبات این معنی ارائه کرده است^[۱۶]. استدلالهای اینان مبتنی است بر شکل و ضبط اسامی خاص، وجود واژه‌های فارسی میانه در متن سریانی، و نیز وجود عباراتی در این ترجمه که نه در متن عربی، بلکه در اصل سنسکریت آن دیده می‌شود، و چند نشانهٔ دیگر. بحثهایی که این دو محقق پی گرفتند به نتایج قطعی منجر شد، ولی ذکر آنها در اینجا ضروری نیست. بدینسان وقتی عبدیشوع می‌نویسد که "بُد" کلیله و دمنه را از هندی ترجمه کرد (پشق مین هندوایا^۲) نباید آنرا تحت‌اللفظی معنی کنیم. مقصود او آشکارا این است که "بُد" کتاب اصلاً هندی کلیگ و دمنگ را به سریانی ترجمه کرد؛ اما اینکه او این اثر را مستقیماً از هندی، یا غیر مستقیم از متن فارسی میانه آن ترجمه کرده، از بیان عبدیشوع بر نمی‌آید. متأسفانه عبدیشوع نمی‌گوید که این "بُد" در چه زمانی می‌زیسته است؛ ولی اسمنی^۳ می‌نویسد که وی در حدود سال ۵۷۰ ه. به عنوان یک روحانی زیر دست حزقیل بطریک^۴ زندگی می‌کرده است^[۱۷]. منبع این اطلاع اسمنی هرگز معلوم نشد. احتمالاً وی این مطلب را در یکی از دستنویس‌های سریانی یافته بوده است. با این همه شاهد و مدرکی وجود ندارد که فرضیهٔ پدید آمدن ترجمهٔ سریانی کهن از کلیله و دمنه در حدود سده ۶م را - یعنی اندکی پس از ظهور متن فارسی میانه آن - نقض کند. فی‌الواقع در متن موجود سریانی نشانه‌ای دال بر آنکه این متن در دورهٔ اسلامی [یعنی از متن عربی] ترجمه شده وجود ندارد؛ و اطلاع اندکی هم که عبدیشوع دربارهٔ مترجم می‌دهد (که کتابهایی در رد مانویان و مزدکیان نوشته بوده) با آنچه دربارهٔ کلیسای مسیحی در عصر فرمانروایی ساسانیان می‌دانیم همخوانی دارد. البته در دورهٔ اسلامی مباحثات ضد مزدکی، لااقل تا حدی، آکادمیک شده بود. دربارهٔ نام "بُد" هفد^[۱۸] - نه "بود" - باید گفت که آشکارا ایرانی می‌نماید و به اقرب احتمال یک کلمهٔ شمال غربی یا شرق میانهٔ ایرانی است که با -baodah- اوستایی^[۱۹] و bōy فارسی میانه^[۲۰] (املاء: bwd) به معنی "آگاهی و هشیاری" مرتبط است

1. Bōd the periodeutes. 2. pashsheq men hendwāyā. 3. Assemani. 4. Patriarch Ezechiel.

؛ و نیز می‌تواند با نیمه اول ترکیب خوارزمی — عربی $\beta wd-r'y$ به معنی "خردمند و با تجربه"^[۲۱] — مقایسه شود با بوذا *budhah* در سنسکریت به معنی خردمند^[۲۲] — مربوط باشد. بنا به تأیید نویسندگان مسلمانِ قرونِ میانه، عبدالله بن المقفع کلیله و دمنه را از زبان فارسی میانه به عربی ترجمه کرد. ابن المقفع که آثارش برای پژوهشگران ادبیات خاور میانه کاملاً آشناست، احتمالاً در ۷۵۷ م [۱۴۰ ق] یا در همان حدود در گذشته است. گرچه تعداد نسبتاً زیادی نسخه خطی از کلیله و دمنه در دست داریم، اما کهن‌ترین نسخه‌ای که تا کنون به دست آمده (نسخه عزام) در ۶۱۸ ق (۱۲۲۱ م)، یعنی حدود ۵۰۰ سال پس از مرگ مترجم کتابت شده است. دومین نسخه کهن (نسخه شیخو) مورخ ۷۳۹ ق (۱۳۳۸ م) است و بقیه دستنویسها از این هم جدیدتر است. مقایسه نسخه‌های متعدد این کتاب، بیانگر اختلاف زیادی است که این نسخه‌ها با یکدیگر دارند، و این نکته خود موجب شگفتی هر کسی تواند شد، که چگونه همه این نسخه‌ها می‌توانند منشأ واحد داشته باشند. به نظر می‌رسد که کلیله و دمنه عربی در این مورد قربانی اقبال خوانندگان و خواهندگان خود شده است. مثلاً از دیدگاهی می‌توان گفت که قرائت مکرر این کتاب، موجب محو و زوال {عباراتی} از نسخه‌های کهن می‌شد و بعداً عباراتی جایگزین آن می‌کردند^[۲۳]؛ و از جهت دیگر، نساخان و کاتبان اثر، خود را آن اندازه در تغییر متن آزاد می‌پنداشتند که داستانهای کهنه را بازسازی کنند و داستانهای نو به آن بیفزایند، یا از دیگر نسخه‌های خطی موادی را با آن تلفیق کنند، و کارهایی از این دست؛ در حالی که این رفتار در مورد آثار جدی مانند کتابهای دینی — کلامی غیر قابل تصور می‌نمود. کلیله و دمنه غالباً (گرچه نه همیشه) به عنوان یک اثر "مردمی" و "موضوع" "سرگرمی" تلقی شده و کسی ضرورتی نمی‌دیده که با احترام به آن نزدیک شود در نتیجه نمی‌توانیم با قاطعیت بگوئیم که آنچه امروز از این کتاب در دست داریم، همان ترجمه ابن المقفع است؛ بلکه باید گفت متون عربی متفاوتی، به یک یا چند طریق، از آن کتاب بیرون کشیده شده است.

نخستین چاپ متن عربی به ویرایش سیلوستر دوساسی (در ۱۸۱۶ م) بر پایه دستنویس موجود در پاریس (شماره Arab3465) و مقایسه اتفاقی با دیگر نسخه‌ها منتشر شد (نک: نسخه p15 در پایان اثر حاضر). دوسلان بر آن بود^[۲۴] که این نسخه متعلق به سده ۱۳ م است؛ اما من هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای بر اثبات این نظر نیافتم. به هر حال این نسخه بی‌گمان یکی از بهترین دستنویسهای کلیله و دمنه نیست. چه عبارات موثق بسیاری از آن

افتاده و بقیه نسخه نیز به سختی آسیب دیده است. به علاوه روش ویراستار در عرضه اثر به گونه‌ای است که جویندگان تاریخ این متن، بهره‌چندانی از آن بر نمی‌گیرند.

لویس شیخو نیز چاپ دیگری از کلیله و دمنه بر پایه نسخه مورخ ۱۲۳۸م، که خود او آنرا در دیرالشیر لبنان یافته بود، منتشر کرد^[۲۵]. چاپ شیخو با توجه به آنکه وی اطلاعات دقیقی درباره ضبط و اژه‌های مندرج در این نسخه، و نیز تصحیح آنها به دست داده، ارزش بیشتری می‌یابد. حواشی او بر متن، مشتمل بر تصحیح ضبط تعداد زیادی از واژگان دیگر نسخ خطی و چاپی، و ارائه ملاحظات انتقادی و توضیحی است. این چاپ همچنین مقدمه‌ای ارزشمند در بردارد. اینها همه، مشخص‌ترین خصایصی است که می‌بایست از یک چاپ انتقادی متن عربی کلیله و دمنه انتظار داشت.

عبدالوهاب عزام هم چاپی از کلیله و دمنه بر اساس دستنویس مورخ ۱۲۲۱م که در یک مجموعه متعلق به ایاصوفیا (استانبول) یافت شد، و کهن‌ترین نسخه شناخته شده کتاب به شمار می‌رفت، منتشر ساخت^[۲۶]. عزام متأسفانه از روش شیخو در تصحیح و عرضه اثر پیروی نکرد. مقایسه تصویر نخستین صفحه نسخه ایاصوفیا، که در صفحه ۲۳ مقدمه عزام شناسانده شده، با همین صفحه در متن مصحح کتاب توسط او، نشان می‌دهد که وی کمتر از دوازده "تصحیح" در هر صفحه نداشته (من اغلاط املائی را به شمار نیاوردم) ولی به هیچیک از آنها در حواشی ویراستار اشاره نکرده است. اگر این روش در سراسر کتاب به کار گرفته شده باشد - و هیچ دلیلی نداریم که خلاف آنرا ثابت کند - پس روشن است که چاپ عزام در واقع بازتابی مات و تیره از دستنویسی است که در اختیار داشته است.

کلیله و دمنه چاپ عزام با مقدمه‌ای به قلم او آغاز می‌شود که در آن کوشیده دلایلی برای اثبات برتری نسخه خود بر دستنویس مورد استفاده شیخو اقامه کند. بی‌گمان عبارات و قطعاتی در کتاب وجود دارد که چاپ عزام ضبط بهتری از آنها ارائه می‌کند، اما به هر حال به همان اندازه نیز عباراتی وجود دارد که در متن شیخو درست‌تر از چاپ عزام عرضه شده است. به‌ویژه در چاپ شیخو عبارات و قطعات بی‌شک موثق هست (عباراتی که در دستنویسهای عربی و هم متون سنسکریت و سریانی دیده می‌شود) که چاپ عزام فاقد آنهاست. مقایسه این دو چاپ نشان می‌دهد که متن مصحح عزام در واقع ترجمه‌ای فشرده و ملخص از کلیله و دمنه است، در حالی که در ترجمه مطول چاپ شیخو عبارات اندکی از متن موثق کتاب حذف شده است. بطور کلی بهترین راهنمایی برای

پژوهشگران آن است که از هر دو چاپ در کنار هم استفاده کنند.

کلیله و دمنه چندبار در خاور نزدیک به چاپ رسیده است. در تعدادی از این چاپها (مانند چاپهای یازجی و طباره)^[۲۷]، دستنویسهای متأخر و کم اعتبار مورد استفاده قرار گرفته اند و فی الواقع ترکیبی اند از دستویسها و متون چاپی و تصحیحات آزادانه ویراستاران. یعنی غالب چاپهای موجود را در حقیقت باید نوعی تجدید چاپ متون مُصَحَّح سیلستر دوساسی یا شیخو به شمار آورد که با "تصحیحات" ویراستار و اغلاط چاپی فراوان زینت یافته؛ و به علاوه بیشتر آنها ناقص اند^[۲۸].

با وجود نقص و تأخر و کم اعتباری بعضی از دستنویسهای موجود عربی، باید اهمیت زیادی برای ترجمه‌هایی که در قرون میانه مستقیماً از متن عربی به زبانهای متعدد دیگر به عمل آمد، و نیز نقل قطعاتی از آن در کتب دیگر، و همچنین استنساخ خود متون عربی قایل شد. نقل قولهای زیادی از کلیله و دمنه در کتاب عیون الاخبار ابن قتیبه (در گذشته ۸۸۹م)، و کتاب العقد [الفرد] اثر ابن عبد ربّه (در گذشته ۹۴۰م) دیده می‌شود.^[۲۹] همانطور که نولد که اشاره کرده، عبارات منقول از کلیله و دمنه در کتاب ابن قتیبه، همواره نقل دقیق و کلمه به کلمه کتاب نیست، بلکه غالباً نقل آزاد یعنی ذکر مضمون متن ابن المقفع است.

محمد بن حسین الیمنی (در گذشته ۱۰۰۹ م / ۴۰۰ق) دانشمند نحوی، کتاب غریبی مشتمل بر "مقایسه امثال و حکم کلیله و دمنه با امثال و حکم مندرج در اشعار عرب" نوشته^[۳۰] و در آن کوشیده اثبات کند که گفتارهای خردمندانه موجود در کلیله و دمنه، از دانایان واقعی یعنی شاعران کهن عرب سرقت شده است. با این همه، کتاب محمد بن حسین یمنی مشتمل بر نقل قولهای بسیاری از کلیله و دمنه است که می‌تواند در متن شناسی انتقادی این اثر سودمند باشد. کتاب یمنی از این دیدگاه هم قابل توجه است که نشان می‌دهد ترجمه ابن المقفع بر غم آنکه به گونه‌ای قابل توجه منتشر شد، ولی قبول عام و همه جانبه نیافت.

به هر حال در برابر کسانی که معتقدند فرهنگ اسلامی با عوامل و انگیزه‌های بیرونی بارور گردید، کسانی نیز هستند که همواره هر گونه ترکیب میراث خالص عربی را با فرهنگ غیر عربی نفی می‌کنند و ارزش آثار فرهنگی غیر عربی را به تمسخر می‌گیرند.

عبارات بلندی از داستان "پادشاه و هشت روء یای او" در کلیله و دمنه را ابوعلی مسکویه (در گذشته ۱۰۳۰ م / ۴۲۱ق) در کتاب عربی خود، که دارای عنوان فارسی جاویدان خرد است، آورده^[۳۱]، ولی ظاهر آن نیز مانند ابن قتیبه به نقل آزاد و ذکر مضمون بسنده کرده است.

کلیله و دمنه عربی توسط ابان اللاحقی (در گذشته حدود ۸۱۵ م / ۲۰۰ ق) به نظم کشیده شد، ولی ظاهراً از همه این اثر فقط چند قطعه، که صولی آنها را نقل کرده، بر جای مانده است [۳۲]. اما منظومه عربی ابن الهیاریه (سده ۱۱ و ۱۲ م) از کلیله و دمنه موجود است و در ۱۸۸۷ م در بمبئی چاپ عکسی شده است. شیخو در مقاله‌ای، دیگر منظومه‌های عربی منتشر نشده متأخر از کلیله و دمنه را وصف کرده است [۳۳].

ترجمه‌های قرون میانه‌ای کلیله و دمنه، و لااقل همعصر با کهن‌ترین دستنویس متن عربی، در بازسازی متن ابن المقفع، برای پژوهشگران از ارزش خاصی برخوردارند. ترجمه سریانی متأخر کلیله و دمنه توسط رایت (۱۸۸۴ م) به چاپ رسید؛ و آنگاه همراه حواشی و مقدمه‌ای مفصل به قلم کیث فالکونر^۱ ترجمه و منتشر گردید. این ترجمه سریانی که از روی متن عربی پدید آمده و کاملاً مستقل از کهن‌ترین ترجمه سریانی به قلم "بُد" است، در یک دستنویس منفرد (نه مجموعه) قرار دارد. نام مترجم و تاریخ ترجمه نامعلوم است، اما رایت آنرا متعلق به سده‌های ۱۱ و ۱۲ م / ۵ و ۶ ق دانسته که در این صورت باید آنرا کهن‌ترین ترجمه باقیمانده سریانی از روی متن عربی کلیله و دمنه به شمار آورد. متأسفانه این ترجمه نیز ترجمه‌ای آزاد است و مترجم به طور قابل ملاحظه‌ای پایبندی به متن را کنار گذاشته و مقولات بیشماری از کتب عهدین در ترجمه وارد کرده است.

یک ترجمه یونانی از کلیله و دمنه با عنوان "استفانیس و ایخنلاتس"^۲ هم به قلم سایمون ست^۳ که در نیمه دوم سده ۱۱ م می‌زیسته، وجود دارد. دستنویسهای متعددی از این ترجمه را می‌شناسیم که به طور قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر متفاوتند. این اثر اولین بار در ۱۶۹۷ م به چاپ رسید. آنگاه یک چاپ انتقادی از آن توسط پانتونی^۴ (۱۸۸۹ م) منتشر گردید. سوبری^۵ در آخرین پژوهش خود (۱۹۶۱ م) مدعی شده که سایمون فقط هشت باب از کلیله و دمنه را به یونانی ترجمه کرد و بقیه ابواب توسط مترجم دیگری به کتاب افزوده شده است. استدلال او صرفاً مبتنی بر مقایسه چند دستنویس یونانی است بی آنکه به متن عربی یا دیگر ترجمه‌هایی که از متن عربی صورت پذیرفته، مراجعه کند. من تردید دارم که این، شیوه‌ای استوار برای بررسی انتقادی متنی مانند کلیله و دمنه باشد؛ خاصه آنکه متن یونانی احتمالاً ترجمه‌ای آزاد است. در حالی که در ترجمه سریانی متأخر، به

1. Keith Falconer.

2. Stephanites cai Ichnelates.

3. Symeon Seth.

4. Puntoni.

5. Sjoberg.

متن کتاب بسی افزوده شده، در متن یونانی آشکارا از آن کاسته و حجم کتاب را تقلیل داده اند. متن عربی کلیله و دمنه هم چندبار به فارسی (جدید) ترجمه شده است. کهن ترین ترجمه که زیر نظر بلعمی، وزیر پر آوازه سامانیان پدید آمد و فردوسی نیز در شاهنامه به آن اشاره کرده، اکنون ناپیدا است. این ترجمه ظاهراً اساس منظومه کلیله و دمنه سروده رودکی شاعر بزرگ بوده که اکنون ابیاتی از آن بطور پراکنده در دست است [۳۴].

ترجمه فارسی منثور کلیله و دمنه به قلم ابوالمعالی نصرالله، متعلق به سده ۱۲ م است. این متن چندبار به چاپ رسیده و من در این کتاب از چاپ مجتبی مینوی (۱۹۶۴ م) استفاده کرده ام که خود مبتنی بر یک دستنویس مورخ ۵۵۱ ق / ۱۱۵۵ م است. ترجمه ابوالمعالی، متنی فنی و ادبی و مشحون از اشعار عربی و فارسی، آیات قرآنی و احادیث و مطالب دیگر است که به گونه ای بس ظریف و استادانه بر زبان حیوانات جنگل جاری می گردد. مترجم برای همساز کردن این عبارات و مطالب با کتاب، ترجمه خود را تا حد قابل ملاحظه ای آب و تاب داده است. با این همه ترکیب شعر و نثر، ترجمه ابوالمعالی را از لحاظ سبک به متن اصلی سنسکریت پنجه تنتره، از دیگر ترجمه های کلیله و دمنه نزدیکتر کرده است.

ترجمه فارسی دیگری، معاصر با ترجمه ابوالمعالی اخیراً یافت شده است. این ترجمه به قلم مترجمی بی آوازه به نام محمد بن عبدالله البخاری است که آنرا به نام اتابک موصول، ابوالمظفر غازی بن زنگی بن آق سنقر، که در ۱۱۴۹ م در گذشته، مُصَدَّر ساخته است. ترجمه بخاری توسط خانلری و روشن، بر اساس یک دستنویس موجود در توپقاپی سرای استانبول، که استنساخ آن در صفر ۵۴۴ ق (جون ۱۱۴۹ م) به اتمام رسیده [۳۵]، ویرایش و منتشر شده است (۱۹۸۲ م / ۱۳۴۳ ش). به عبارت دیگر این نسخه خطی واقعاً همزمان با ترجمه آن کتابت شده است.

متأسفانه چند برگ پایانی کتاب مفقود شده است. ترجمه بخاری که دارای نثری روان است، بی گمان مستقل از ترجمه ابوالمعالی پدید آمده است؛ گرچه به نظر می رسد که هر دو اثر بطور مشابهی بازتابِ درستِ متنِ عربی اند.

ترجمه فارسی ابوالمعالی خود منبع دو ترجمه متأخر فارسی بوده است. یکی کتاب انوار سهیلی از حسین بن علی الواعظ (پیش از ۱۵۰۵ م) که دارای نثری متکلف و مصنوع است؛ و دیگری ترجمه ای کوتاهتر به نام عیار دانش اثر ابوالفضل (۱۵۷۸ م) [۳۶]. دیگر ترجمه های کلیله و دمنه به زبانهای گوناگون ترکی و گرجی و مالایی و اردو و غیره بطور

مستقیم یا غیر مستقیم از یکی از این ترجمه‌های فارسی بیرون آمده است. چنانکه دو ترجمه مختلف انگلیسی از انوار سهیلی نیز در دست است (ترجمه ایست و یک^۱ در ۱۸۵۴م؛ و ترجمه ولاستون^۲ ۱۸۷۷م).

ترجمه عبری کهن کلیله و دمنه نیز که تنها یک دستنویس از آن موجود است و آغاز آنهم افتاده، همراه با ترجمه فرانسه آن (۱۸۸۱م) به قلم درنبرگ^۳ منتشر شده است. ترجمه لاتین آن به قلم جان اهل کاپوآ^۴، و زیر عنوان کتاب کلیله و دمنه^۵ یا راهنمایی انسان^۶؛ همانطور که مترجم در پیشگفتار خود آورده، از متن عبری ترجمه شده است. مقایسه این ترجمه با اجزاء باقیمانده از متن عبری کهن ثابت می‌کند که همین کتاب، منبع جان اهل کاپوآ در ترجمه لاتینی بوده است. این نکته که ترجمه لاتینی کلیله و دمنه به کاردینال متی رابنزاور سینوس^۷ تقدیم شده، نشان می‌دهد که اثر در همان زمان یعنی میان سالهای ۱۲۶۳ و ۱۲۷۸ م پدید آمده است. بنابراین متن عبری باید کهن تر از متن لاتینی باشد و درنبرگ آنرا متعلق به نیمه اول سده ۱۲م دانسته است. یگانه اطلاعی که درباره مترجم این اثر در دست داریم، از سوی دونی^۸، که متن ترجمه لاتینی جان را به ایتالیایی بازگرداند، و بخش اول آنرا در ۱۵۵۲ م به چاپ رسانید ابراز شده است. بر اساس این اطلاع، متن عبری کلیله و دمنه، به قلم یک "ربی" ناشناخته به نام جوئل^۹ پدید آمده است. وی در این ترجمه از چارچوب متن عربی پیروی کرده است. برای بررسی بخش اول این ترجمه - که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است - باید متکی بر ترجمه لاتینی جان، به عنوان جایگزین متن ناقص عبری بود. ترجمه لاتینی در دو چاپ جداگانه انتشار یافته و هر دو فاقد تاریخ چاپ‌اند، ولی ظاهراً در حدود ۱۴۸۰م منتشر شده‌اند. از متن لاتینی، دستنویسهای متعدد در دست است. درنبرگ متن یکی از چاپهای سده ۱۵ را همراه با حواشی و تصحیحات سودمند تجدید چاپ کرد (۱۸۸۹م)؛ ولی هنوز یک چاپ انتقادی (بر اساس دستنویسها) از این اثر پدید نیامده است.

ترجمه لاتینی جان^{۱۰}، خود پایه چندین ترجمه به زبانهای اروپایی در عصر رنسانس بود. نخستین متن انگلیسی کلیله و دمنه به قلم جان نورث^{۱۱}، که در ۱۵۷۰م به چاپ رسید، از ترجمه ایتالیایی دونی، و آن از ترجمه لاتینی جان، و آن از ترجمه عبری جوئل، و آن از متن

1. East Wick 2. Wollaston 3. Derenbourg 4. John of Capua 5. Liber Kelilae et Demnae
6. Directorium vita humanae 7. Matthew Rubens Ursinus 8. Doni 9. Joel 10. John North

عربی، و متن عربی از متن فارسی میانه و این یکی از متن سنسکریت بیرون آمده است. دومین ترجمه عبری کليلة و دمنه به قلم یعقوب بن اليعاذر^۱، که گفته اند در سده ۱۳ م می زیسته، صورت پذیرفت. از این اثر که مانند متن کهن عبری، مستقیماً از متن عربی ترجمه شده، یک نسخه منحصر به فرد در دست است که تنها آغازهای آن باقیمانده و همین متن توسط درنبرگ منتشر شده است. در سبک استادانه این ترجمه، پیروی از متن عربی مشهود است؛ و در عین حال انبوهی منقولات از کتب عهدین چاشنی آن شده است. سرانجام می بایست به ترجمه کهن اسپانیایی کليلة و دمنه اشاره کنیم که مترجم آن ناشناخته است. مطابق یک نظر – که بطور عمومی پذیرفته نشده – این ترجمه در ۱۲۱۵ م برای آلفونسوی "خردمند"^۲، آخرین فرمانروای کاستیل فراهم آمد. برخی از محققان در صحت این تاریخ تردید کرده اند^۳، ولی باید گفت این ترجمه مطمئناً در ۱۳۱۳ م، وقتی ریموند دو بزیه^۴ آنرا به لاتین بازگرداند، به اتمام رسیده بوده است. گرچه برگ آخر یکی از دستنویسهای کتاب حاکی از آن است که ترجمه اسپانیایی از روی متن لاتینی صورت پذیرفته، ولی شواهدی در دست است که نشان می دهد مستقیماً از روی متن عربی ترجمه شده است. چه ترجمه اسپانیایی از همه ترجمه های قرون میانه ای، با متن عربی همساز تر و نزدیکتر است.

بیشتر اجزاء ترجمه چنان تحت اللفظی است که بی دشواری چندان می توان کلمات متن عربی را که پایه ترجمه اسپانیایی بوده بازسازی کرد. این خصیصه، ترجمه اسپانیایی را بس ارزشمند می گرداند. دو دستنویس از متن اسپانیایی کليلة و دمنه در کتابخانه اسکوریال وجود دارد. نسخه کهن تر (الف) را گفته اند در پایان سده ۱۴ م یا آغاز سده ۱۵ م کتابت شده؛ و دیگری (ب) متعلق به پایان سده ۱۵ م است. اولین چاپ این کتاب توسط گایانگوس^۵ منتشر شد و آنگاه توسط آلن^۶ دوباره و نسبتاً انتقادی به چاپ رسید (۱۹۰۶ م). همچنین آلمانی بولوفر^۷ چاپ جدیدی از آن با مقایسه با متون عربی چاپ شیخو و عزام بیرون داد (۱۹۱۵ م). چاپ جدید این کتاب (۱۹۵۷ م) با ویرایش کلر^۸ و لینکر^۹ مشتمل است بر هر دو دستنویس موجود از متن اسپانیایی که در کنار هم چاپ شده اند. این روش، از آنجا که این دو نسخه تا حد قابل ملاحظه ای با هم متفاوتند، مفید

1. Jacob ben Eleazar 2. Alfonso "the wise" 3. Raimond de Bezier 4. Gayangos 5. Allen
6. Alemany Bolufer 7. Keller 8. Linker

می‌نماید؛ چنانکه در یک مورد، سه فصل در نسخه ب وجود دارد، که نسخه الف فاقد آنهاست. آلن کوشیده تا اثبات کند که نسخه ب ترکیبی است از ترجمه‌ای از روی متن اصلی [عربی] با ترجمه‌ای [از روی متن] لاتینی به قلم جان اهل کاپوآ. وی برای تأیید این نظر به تنظیم فهرستی از قطعاتی که در نسخه الف وجود ندارد ولی در نسخه ب و متن لاتینی دیده می‌شوند؛ و نیز استخراج قطعات مطابق با هم در نسخه ب و متن لاتینی پرداخت. آلن در این بررسیها متأسفانه متن عربی کلیله و دمنه را نادیده گرفت. از سوی دیگر هاتینگر^[۳۹] اثبات کرده که تفاوت‌های موجود در نسخه ب در حقیقت مطابق است با ضبط و ترتیب متون عربی کلیله و دمنه. من فهرستی از قطعات مورد اختلاف هر دو دستنویس اسپانیایی از داستان سفر برزوی به هند ترتیب دادم و معلوم کردم که شباهت و هماهنگی میان نسخه ب اسپانیایی با نسخه‌های عربی، بسیار بیش از شباهت‌های موجود میان نسخه ب اسپانیایی با متن لاتینی جان است. اگر نسخه ب متن تجدید نظر شده متن اصلی اسپانیایی باشد، بی‌گمان این تحریر مبتنی بر یک متن عربی، نه لاتین، بوده و بر همین اساس دستنویس عربی مورد استفاده تجدید نظر کننده، غیر از نسخه‌ای است که توسط مترجم اصلی مورد استفاده قرار گرفته بوده است. این حقایق همه نشان می‌دهند که فرضیه‌های مطرح شده درباره تاریخ اولین ترجمه‌های غربی از کلیله و دمنه تا چه حد بی‌پایه است.

بررسی اجمالی حاضر را بدون اشاره به مطالعات تطبیقی ارزشمند شاوین^۱ میان داستانهای اصلی و فرعی کلیله و دمنه با دیگر آثار ادبی شرق و غرب^[۴۰] نمی‌توان به پایان برد؛ ولی البته این موضوعی است که نمی‌توانیم در اینجا به بحث درباره آن پردازیم. برای روشن ساختن دگرگونی‌هایی که کلیله و دمنه در طی قرون پذیرفته، می‌توانیم قطعه‌ای خُرد از داستان «موشی که دختری شد» (از قصه‌های فرعی داستان بوف و زاغ) را به صورتی که در چند ترجمه اولیه آمده نقل کنیم:

پنجه تنتره (ترجمه ادگرتن^[۴۱])

آنگاه که [آن دختر] در گذر زمان به دوازده سالگی رسید، مرد دانا به اندیشه ازدواج او افتاد: نباید بگذاریم تا دوران [بلوغ] او سپری گردد، که این گناهی از من خواهد بود، و گفته‌اند: